

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاند تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمورشاه تیموری

یادی از کابل

این ترجیع بند در سه قسمت تقدیم میگردد

(قسمت سوم)

آمد بهار و موج گُل از هر طرف دمید
خوشنود مردمان ز خوشی نعره میزدند
اما به فور یأس بر امید چیره شد
دیو نفاق چو ابر سیه سایه برفگند
مردان عالم متبحر به روزگار
زین رو عذاب دیده مسلمان داغدار
در هر کنار و کنج جهان تا که بنگری
افغان با کمرکز و با عزت و وقار
تاراج گشت شهر و بسی خانه ها بسوخت
آن شهر باوقار و نگین پرافتخار
مرکوب خسروانه ز مشرق سر رسید
که ایام درد و رنج و الم گشت ناپدید
یاران پر امید همه گشت ناامید
از هر طرف صدای من و تو بشد پدید
شمشیر برکشیده برادر کنند شهید
آواره هر طرف شد و هر سوی سرکشید
افغان بی پناه به هر کوی و در رسید
در ملک این و آن به روالی بیارمید
زین مردم بلاکشیده بدتر کسی ندید
مجروح و پرشکسته بخاک و بخون تپید

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خدا میسپارم

کابل بگو برای چه بی پا و سر شدی؟
خاکم بسر ز بهر چه؟ خاکت بسر شدی
کانون علم بودی و عرفان نمود تو
اکنون چرا؟ بی معرفت و بی هنر شدی
چون گوهری بُدی تو در قلب آسیا
حالا دگر ز هر صدفی بدتر شدی
با عز و اعتبار بودی داشتی وقار
بی عز و اعتبار و بی شان و فر شدی
گویند کوکنار بکشتی ز حد فزون
در کشت کوکنار بسی نامور شدی
اولاد دوستدار و فسادار صداقت
در شهر و هر دیار به عزم سفر شدی
موزیــــــــم تو بود یکی گنج بی بها
آثار باستان عرضه به بازار زر شدی
نی باغ و بوستان بدیــــــــار تو نی بهار
پژمرده و نحیف چو یک مشت پر شدی
الحاصل آنچه بودی تو امروز نیستی
در دست این و آن به زیر و زیر شدی

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خــــــــدا میسپارم

(المان - 30 اگست 2011)